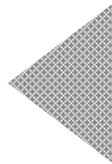


سیاست دولت‌ها و تغییرات الگوی مصرف غذایی؛ مطالعه خانوارهای شهر رشت طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹: نتایج یک تحلیل کیفی



مهیا آزمایش آسیابری^۱

نادر مطیع‌حق‌شناس^۲

ولی‌اله رستمعلی‌زاده^۳

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۴/۴ - تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۸/۶)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

چکیده

در طول تاریخ، غذا و تامین آن همواره مهمترین نگرانی انسانها بوده است. بدیهی است نظام غذایی هر کشوری متأثر از سیاست‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آنها می‌باشد که دولت تاثیر مستقیم در اجرای این امر دارد. هدف این مقاله، مطالعه کیفی سیاست‌های دولت‌ها و تاثیرات آن بر تغییرات الگوی مصرف غذایی در میان خانوارهای شهر رشت می‌باشد. این پژوهش بصورت کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی انجام گرفته و جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق و مشاهده صورت پذیرفت. روش نمونه‌گیری هدفمند بوده و با ۲۱ نفر از شهروندان شهر رشت مصاحبه بعمل آمد. داده‌های بدست آمده از مصاحبه‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس

۱ - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد خلخال، خلخال، ایران.

۲ - استادیار جمعیت‌شناسی، گروه پژوهشی اقتصاد جمعیت و سرمایه انسانی، موسسه تحقیقات جمعیت کشور، تهران، ایران
(نویسنده مسئول): nader.haghshenas@nipr.ac.ir

۳ - دانشیار جامعه‌شناسی، گروه مهاجرت و شهرنشینی، موسسه تحقیقات جمعیت کشور، تهران، ایران.

کیودای مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته های بدست آمده از تحلیل نظرات مصاحبه شوندگان در رابطه با سیاست های دولت ها نشان می دهد پیامدهای منفی سیاستهای دولت در دهه ی ۸۰ و ۹۰ بر پیامدهای مثبت آنها مستولی گشته است. اگر چه سیاست های اعمال شده ی اقتصادی و اجتماعی مشکلات زیادی را برای مردم در سطوح مختلف جامعه ایجاد کرده است، اما از طرفی مردم را به سمت مصرف بهینه ی اقتصادی کالاهای مصرفی سوق داده است. بررسی ها در رابطه با تغییرات الگوی مصرف غذایی شهروندان شهر رشت نشان می دهد مقوله های ساختار جمعیتی و فرهنگی، تغییر سبک زندگی، متمایز دانستن خود از دیگران، گستردگی مراکز تهیه غذا و خدمات متعدد و رسانه ها در گرایش شهروندان به مصرف غذای بیرون نقش اساسی داشته اند و مسائل مالی و ظرفیت اقتصادی، امنیت غذایی نسبتا بالا و پایبند بودن به فرهنگ سنتی از علل گرایش به غذاهای سنتی بوده است.

واژگان کلیدی: سیاستهای دولت، دولت، مصرف متظاهرانه، الگوی مصرف غذایی، رشت.

۱-مقدمه

یکی از مسائل مهم در جهان مصرف گرای امروزی توجه به الگوی مصرفی افراد می باشد. الگوی مصرف، به طریقه خاص به معنای مصرف اجناس و مواد خوراکی، نوشیدنی، پوشیدنی، و بطور کلی **مواد مصرفی** (همچون مواد انرژی زا) در یک جامعه اطلاق می شود. سبب غذایی الگویی است که اولاً حاوی مقدار مناسبی انرژی باشد و ثانياً موادمعدنی و ترکیبات ضروری در حد نیاز را برآورده نماید. در نهایت، مجموع ترکیبات آن بایستی در شرایط تعادلی و در حد بهینه باشد تا بتواند انرژی لازم را برای انجام فعالیتهای روزانه افراد تامین کرده و مقاومت بدن در مقابل بیماریها را فراهم نماید. به تعبیر دیگر، الگوی مصرف غذایی، شامل طیف وسیعی از رفتارهای مصرف کننده در ارتباط با مواد غذایی شامل مقدار و نوع متداول مصرف انواع مواد خوراکی، طریقه پخت، نگهداری و همین طور ضایعات مصرف مواد غذایی است (عبدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۰). مطالعه الگوی مصرف غذایی به جهت اینکه شاخصی مهم برای تعیین سطح توسعه یافتگی اجتماعی و اقتصادی جوامع می باشد، همواره مورد توجه اندیشمندان و متخصصان حوزه های مختلف، بویژه جامعه شناسان و اقتصاددانان، بوده است. مطالعه سبک زندگی و به ویژه الگوی مصرف در جهان مدرن در بین جامعه شناسان به دلیل این که از فردیت

و امر شخصی خارج و به عنوان تعینات قدرت تبدیل شده است، همواره مورد توجه قرار گرفته است (فوکو ۱۹۸۰: ۱۲). آنچه سبب گردیده است که امروزه تغذیه به عنوان یک مساله مورد بررسی بوده و ابعاد جهانی آن مورد توجه قرار گیرد، تفاوتی است که از نظر مصرف سرانه مواد غذایی لازم جهت رشد در سطح کشورهای مختلف دنیا و در داخل هر کشور میان گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی وجود دارد (محسنی، ۱۳۸۵: ۶۴). از نظر گیدنز، گزینش یا ایجاد سبک‌های زندگی و انتخاب نوع مصرف غذایی زیر نفوذ اوضاع و احوالات اجتماعی و اقتصادی صورت می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۸۷: ۹۸).

با توجه به مباحث فوق، می‌توان گفت مفهوم الگوی مصرف غذایی امروزه یک مفهوم پویا و کلان است که متغیرهای سیاست اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اعمال شده از سوی دولت بر آن تأثیر می‌گذارند. انجام پژوهشی در زمینه تغییرات الگوی مصرف غذایی می‌تواند در کسب اطلاعات لازم برای دستیابی به سیستم غذایی مطمئن و پایدار، شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصتها و تهدیدهای موجود در برنامه سیاست‌گذاری اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در زمینه الگوی مصرف غذایی، شناخت الگوی مصرف غذایی در طی سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹ و مقایسه سطح و روند آن، از جمله مواردی می‌باشند که نشان‌دهنده اهمیت موضوع است. علت تمایز این مطالعه با مطالعات دیگر توجه به سیاستهای تأثیرگذار در حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دولت‌های نهم تا دوازدهم بر الگوی مصرف غذایی شهروندان شهر رشت می‌باشد که در پژوهش‌های قبلی مورد غفلت واقع شده است. بنابراین، هدف مطالعه حاضر بررسی کیفی تأثیر سیاستهای دولت‌های نهم و دهم و یازدهم و دوازدهم بر تغییرات الگوی مصرف غذایی خانوارهای شهر رشت طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹ می‌باشد. شناسایی تغییرات رخ داده در الگوهای غذایی مردم بواسطه‌ی سیاست‌های اتخاذ شده دولت‌ها از یک طرف ما را در شناخت سبک زندگی افراد جامعه که امروزه به یکی از دغدغه‌های جدی در ملاحظات مربوط به سبک زندگی تبدیل شده است، یاری می‌رساند و از طرف دیگر، می‌تواند در شناسایی بهتر و عملیاتی نمودن سیاست‌های مناسب و کارکردی در حوزه‌ی سلامت و الگوهای غذایی موثر بوده باشد.

بیان مساله

سلامت یکی از ابعاد توسعه در هر جامعه محسوب می‌شود. اهمیت این موضوع تا حدی است که ابعاد سلامت و تغذیه‌ی انسانی از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار گرفته و نتایج تحقیقات

مختلف نشان می دهد که تعیین گره‌های زیاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و فلسفی بر روی عادت‌ها و الگوهای غذایی افراد تاثیر می گذارند. اختلال در سلامت افراد و بروز بیماری‌های مزمن در نتیجه ی پیروی از الگوهای غذایی ناسالم می تواند زنگ هشدار برای تغییرات عمده در الگوهای غذایی افراد در جامعه باشد. برای مثال، سیمون برآورد کرد که در آمریکا عوامل تغذیه ای دلیل ۶۰ درصد از سرطان‌ها در زنان و ۴۰٪ از سرطان‌ها در مردان می باشد. برنامه‌ها و الگوهای مصرفی نادرست با سرطان‌های سینه، رحم، کبد، راست روده، کلیه‌ها، تخمدان، پروستات، تیروئید و مری ارتباط دارند (علیزاده اقدم، ۱۳۸۹: ۲۸۷).

در این میان، می توان گفت که یکی از عوامل اساسی و کلیدی که در انتخاب سبک غذایی افراد می تواند مؤثر باشد، سیاست‌های اتخاذ شده دولت‌ها در تأمین رفاه اجتماعی شهروندان است. مخانکو و وولوهایتخ (۲۰۱۶) نشان می دهد در کشور روسیه سطح تولید مواد غذایی در اثر تحریم این کشور کاهش یافته است. بطوریکه در سال ۲۰۱۵ در مقایسه با سال ۲۰۱۳، بیشترین محصولاتی که از تحریم‌ها آسیب دیده اند، شامل ماهیهای یخ زده (با افزایش قیمت ۵۲ درصد)، روغن آفتابگردان (۴۳ درصد)، سیب (۳۸ درصد)، کره و گوشت گاو (۲۹ درصد) می باشند؛ در حالی که نرخ تورم روسیه در سال ۲۰۱۵، حدود ۱۳ درصد بوده است. همچنین، فرزنانگان و همکاران (۲۰۱۵)، اثرات تحریم نفت بر اقتصاد ایران و رفاه خانوارهای ایرانی را مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفته اند که رفاه همه گروه‌های درآمدی شهری و روستایی کاهش یافته و مساله مهمتر اینکه خانوارهای پردرآمد، بیشتر از خانوارهای کم درآمد از تحریم‌ها متاثر شده اند. الگوی مصرف خانوار در ایران یکی از مهمترین موضوعاتی است که از تغییرات اجتماعی و جمعیتی و سیاستی بسیار تأثیر پذیرفته است. توجه به مسئله تخصیص منابع محدود کشور و مدیریت جمعیتی الگوی مصرف خانوارهای کشور سبب شده است تا بررسی تغییرات الگوی مصرف و عوامل مؤثر بر آن از اهمیت بالایی برخوردار باشد (شیری و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۲). از سوی دیگر، توزیع امکانات و خدمات اجتماعی - اقتصادی نیز متأثر از سیاست‌های دولتهاست بطوریکه هر گونه نابرابری در توزیع خدمات در سطح جامعه می تواند بصورت مستقیم و غیر مستقیم بر سبب غذایی و الگوهایی غالب غذایی مردم تاثیر داشته باشد. بر این اساس، در تحقیق حاضر تلاش شده است تا تاثیر سیاستهای دولت‌های نهم تا دوازدهم بر تغییرات الگوی مصرف غذایی در میان خانوارهای شهر رشت طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹ مورد

بررسی قرار بگیرد.

۲- تاملات نظری پژوهش

الگوی مصرف غذایی شامل طیف وسیعی از رفتارهای مصرف کننده در ارتباط با مواد غذایی است که شامل مقدار و نوع متداول مصرف مواد خوراکی، طریقه پخت، نگهداری و همین طور ضایعات مصرف مواد غذایی است (عبدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۲). الگوی مصرف غذایی یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی است. به نظر وبر، سبک زندگی مفهومی است که تعیین کننده‌های اجتماعی دارد. به نظر وی، "انتخاب" بزرگ‌ترین عامل در عملیاتی کردن سبک زندگی افراد است و در نتیجه‌ی انتخاب است که افراد به شانس‌های زندگی خود دست می‌یابند که بیشتر تحت تأثیر شرایط اجتماعی و ساخت‌های اجتماعی است (علیزاده اقدم، ۱۳۸۹: ۲۸۶). پیر بوردیو^۱، هم جایگاه فرد در طبقه را تعیین کننده نوع مصرف می‌داند و هم نوع مصرف را معرف جایگاه افراد در جامعه می‌داند. به نظر بوردیو، با وجود حذف همه موانع در مقابل حرکت آزاد کالا، مصرف امری افسار گسیخته نیست، بلکه منش آن را کنترل می‌کند و از یک نظم پنهان تبعیت می‌کند (جمشیدیها و پرستش، ۱۳۸۶: ۱۸). به نظر بوردیو، موقعیت عامل در زمینه اجتماعی بستگی به حجم و میزان سرمایه (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) دارد و این خود رفتار و سبک زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (سیدمن، ۱۳۹۳: ۱۹۸). گیدنز در بازنمایی و تبیین مفهوم طبقه، به عوامل فرهنگی، الگوهای مصرف و سبک زندگی تأکید نموده و مانند بوردیو از اقتصاد و اشتغال در تعیین طبقه و جایگاه افراد در نظام قشربندی اجتماعی فاصله می‌گیرد. از نظر گیدنز، در جامعه مدرن نمادها و علائم مربوط به مصرف، نقش بیشتری در زندگی روزانه ایفا می‌کنند و مصرف قبل از هر چیز با انتخابهای شخصی متناسب است. از این رو، هویت‌های شخصی به میزان زیادی گرداگرد انتخابهای سبک زندگی ساخت می‌یابند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۸۶). تورستین وبلن^۲، از جامعه‌شناسانی است که در کتاب «نظریه طبقه تن آسا^۳» به تشریح نقش الگوی مصرف در تعیین جایگاه طبقاتی افراد پرداخته است. یکی از مفاهیمی که

1- Pierre Bourdieu

2- Thorstein Veblen

3- The Theory of the Leisure Class

از دل نظرات ویلن استخراج می شود، مفهوم «رقابت»^۱ است. از نظر ویلن، رقابت سر منشاء برخی از تحولات شگرفی شد که بسیاری از عادات و رفتار انسان و جوامع انسانی را تحت تأثیر خود قرار می دهد (کوزر، ۱۳۹۳: ۳۶۳). با توجه به مطالب بیان شده و بر اساس نظریه های بوردیو، گیدنز و ویلن، در جامعه امروزی انتخاب الگوی مصرف نشان دهنده هویت و تمایز دهنده گروه های اجتماعی از یکدیگر است. الگوی مصرف افراد محصول برخورداری از سرمایه ها (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی) است. با توجه به نقش محوری دولت ها به مثابه بازیگر اصلی سیاست اجتماعی در ایران، این تلقی وجود دارد که میزان سرمایه های اجتماعی کنشگران اجتماعی، تحت تأثیر رویکردها و سیاستهای اتخاذ دولت هاست؛ بنابراین، این پژوهش درصدد مطالعه نقش سیاست های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی دولت ها از سال ۱۳۹۹-۱۳۸۴ در تعیین تغییرات الگوهای مصرف غذایی در میان خانوارهای شهر رشت است.

۳- پیشینه تحقیق

شعبان زاده و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیقی به بررسی "تأثیر سیاست ارز ترجیحی بر مصرف مواد غذایی در مناطق شهری ایران" پرداختند. بسیاری از کارشناسان معتقدند که اجرای سیاست یارانه ارز ترجیحی، هزینه های زیادی را به دنبال داشته و به علت ناکامی در کنترل افزایش قیمت ها، نتوانسته است ثبات مصرف مواد غذایی هدف را بین خانوارها تضمین کند. در مقابل، موافقان اجرای این سیاست، معتقدند که تأثیر سیاست ارز ترجیحی در کنترل نوسانات و رشد قیمت محصولات در بازار نهایی و در نهایت، مصرف خانوارها، قابل ملاحظه بوده است. مهاجری و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان "بررسی تأثیر سرمایه های اجتماعی و اقتصادی بر انتخاب الگوهای غذایی شهروندان تهرانی" دریافتند که افراد برخوردار از سرمایه اجتماعی و سرمایه اقتصادی بیشتر و طبقه اجتماعی بالاتر، الگوی غذایی سالمتری را انتخاب کرده اند. ضیایی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "اندازه گیری هزینه های تومی قیمت مواد غذایی ناشی از اجرای سیاست هدفمندسازی یارانه ها بر خانوارهای شهری استان سیستان و بلوچستان" نشان دادند که خانوارهای استان سیستان و بلوچستان به طور میانگین ۱۱۰۸۲۲۲ ریال

از درآمد خود را به سبب افزایش قیمت مواد غذایی بعد از اجرای فاز نخست هدفمندسازی یارانه‌ها (تا پایان سال ۱۳۹۰) از دست داده‌اند. این مبلغ معادل ۶۱/۷۳ درصد از بودجه‌ی غذایی و ۱۹/۹۴ درصد از کل درآمد آن‌ها است.

اسفندیاری و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر امنیت غذایی خانوارهای شهری ایران" با استفاده از داده‌های سری زمانی ۱۳۹۹-۱۳۶۱ نشان می‌دهند که در کوتاه مدت و در بلندمدت متغیرهای شاخص قیمت غذا و نرخ ارز تأثیری منفی، و تولید ناخالص داخلی تأثیری مثبت بر امنیت غذایی خانوارهای شهری داشته‌اند. شیری و حسن استاد علی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان "عوامل موثر بر عملکرد و سیاستگذاری فرهنگی دولت نهم و دهم" نشان دادند که مهمترین عوامل موثر بر عملکرد و سیاستگذاری فرهنگی دولت عبارتند از جذب مدیران کارآمد و مجرب، سیاست زدگی مدیریت فرهنگی، تعدد نهادهای متولی، وجود دستگاه‌های ناظر فرهنگی، قابل اجرا بودن دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها، شتابزدگی در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور در حوزه فرهنگی، نظام‌مند بودن تصمیم‌گیری‌ها، هماهنگی اهداف کمی و کیفی در حوزه فرهنگی، روزآمد بودن قوانین و همچنین تعامل سازمانهای فرهنگی با یکدیگر. نوابخش و مثنی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان "بررسی جامعه‌شناختی تحولات تغذیه در جوامع معاصر" دریافتند که در جوامع کنونی تغذیه تنها امری در جهت رفع نیازهای اولیه همچون گرسنگی و تشنگی همچون گذشته نیست، بلکه بخشی از فعالیتهای اجتماعی روزمره بشر است که ارزش نمادین داشته و از جهتی معرف نوع خاصی از یک ماده غذایی بوده و نشان دهنده تعلق به قشر یا طبقه اجتماعی از جامعه است که آنها از این طریق سعی در جداسازی خود از دیگر طبقات و اقشار جامعه دارند. همچنین، برخی مواد غذایی که در جامعه مجاز و قابل مصرف می‌باشد ممکن است در جامعه‌ای دیگر با ممنوعیت مصرف همراه باشد که این تفاوت خود ناشی از فرهنگ و ارزشهای حاکم بر آن جامعه است. تانده و همکاران^۱ (۲۰۲۳) الگوهای مصرف غذاهای آماده را در بین دانشجویان دانشگاه‌های مالزی مورد بررسی قرار دادند. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که عواملی همچون طعم، قیمت، راحتی و سهولت در دسترسی، تبلیغات و عادات غذایی به طور قابل توجهی بر الگوهای مصرف

مک دونالد در بین دانشجویان دانشگاه مالزی تأثیر می گذارند. الجاوده و همکاران^۱ (۲۰۲۰) الگوهای مصرف مواد غذایی و میزان دریافت مواد مغذی کودکان و نوجوانان را در منطقه مدیترانه شرقی مورد مطالعه قرار دادند. نتایج حاکی از مصرف کم میوه‌ها، سبزیجات و فیبر، مصرف ناکافی آب، شیر و محصولات لبنی، همراه با مصرف بالای چربی، چربی اشباع شده و نوشیدنی‌های شیرین شده با شکر، و همچنین مصرف مکرر مواد مغذی و پر انرژی در میان افراد مورد مطالعه می باشد.

هایسوم و تاودزرا^۲ (۲۰۱۸)، در پژوهشی به بررسی و ارزیابی مشکلات امنیت غذایی در مقیاس شهری پرداختند. نتایج نشان داد که برای پاسخگویی به ناامنی غذایی شهری و اطلاع رسانی و آگاه کردن سیاست گذاران شهری جهت اولویت دهی به سیاست های تامین امنیت غذایی یک ابزار مناسب مورد نیاز می باشد. شامه لویو^۳ و همکاران (۲۰۱۷) در مقاله‌ای به بررسی "چگونگی بهبود مدیریت امنیت غذایی در مکزیک" پرداختند. نتایج نشان داد مکزیک در حال حاضر فاقد استراتژی غذایی و تغذیه ملی جهت اطمینان از امنیت غذایی مردم می باشد. ضمن اینکه استراتژی های دائمی یا بلند مدت در زمینه ی مدیریت مواد غذایی و تغذیه می تواند بهترین راهکار در این زمینه باشد.

بریسینگر و اکر^۴ (۲۰۱۴) به شبیه سازی تأثیر رشد اقتصادی بر غذا و امنیت غذایی در یمن پرداختند. نتایج بدست آمده از این تحقیق نشان می دهند رشد اقتصادی سریع برای بازگشت سطح امنیت غذایی به دوران قبل از بحران در یمن ضروری می باشد.

در مجموع، بررسی مطالعات داخلی و خارجی نشان می دهد، همه پژوهشگران به یکی از جنبه های تغییرات مصرف غذایی پرداخته اند، اما نکته مهم اینکه در همه پژوهش ها صرفاً از روش اسنادی یا پیمایش استفاده شده است، در حالی که در این تحقیق تلاش می شود با اتخاذ روش پدیدار شناسی و با ابزار مصاحبه به تغییرات الگوی مصرف غذایی در میان خانوارهای شهر رشت پرداخته شود.

1- Al-Jawaldeh et al.

2- Haysom&Tawodzera

3- Shamah-Levy

4- Breisinger&Ecker

۴- روش پژوهش

با توجه به اهداف پژوهش، روش پژوهش کیفی است. به منظور تبیین ساختار ذات تجربه زیسته از پدیده تغییرات الگوی مصرف غذایی و جستجوی وحدت معنایی و توصیف درست آن از روش پدیدار شناسی استفاده شده است. روش بکار گرفته در این پژوهش، پدیدارشناسی توصیفی (متعالی) است. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، هدفمند- نظری است. بر این اساس، افرادی که اطلاعاتی در خصوص تاثیرات سیاست‌های دولتها بر الگوی مصرف غذایی شهروندان شهر رشت دارند، شناسایی و با هماهنگی تلفنی قرار مصاحبه با آنها تعیین شد. بدلیل اینکه حجم نمونه در تحقیقات کیفی، ارتباط تنگاتنگی با میزان اشباع پذیری دارد، لذا تا کامل شدن تمام سطوح مقوله‌های پارادایمی، مصاحبه با ۲۱ نفر ادامه یافت. گردآوری داده‌های کیفی با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه ساخت یافته انجام گرفت. محورهای مورد نظر برای مصاحبه نیمه ساخت یافته عبارتند از: ۱- تجربه تغییرات مربوط به الگوی مصرف غذایی خانوارها با انجام برنامه هدفمندی یارانه‌ها، سهمیه بندی بنزین، بیمه کارگران، سهام عدالت و پزشک خانواده. ۲- تغییرات مربوط به حوزه‌ها و مکان‌های پدیدار شدن الگوهای مصرف غذایی طی سالهای ۱۳۹۹-۱۳۸۴ از جمله حضور در سفره‌خانه‌های سنتی، رستوران‌ها، تالارهای پذیرایی، کافی‌شاپ‌ها و... جهت سهولت در کدگذاری و تقلیل داده‌ها از نرم‌افزار (MAXQDA) استفاده شده است.

۵- یافته‌های پژوهش

یافته‌های بدست آمده از تحلیل نظرات پاسخگویان بدین شرح می‌باشد.

جدول شماره (۱) - تلخیص یافته‌های تحقیق

تم‌های اصلی	مقولات استخراج شده
تغییرات الگوی مصرف غذایی خانوارهای استان گیلان	الف: افزایش میزان استفاده از غذاهای بیرون: تغییرات ساختار جمعیتی نقش فرهنگ مصرفی شهر، سبک زندگی، تغییرات در نهاد خانواده مصرف متظاهران، نقش رسانه‌ها
	ب: افزایش میزان استفاده از غذاهای سنتی: بازتولید فرهنگ سنتی، توجه به امنیت غذایی، ضعف سرمایه اقتصادی
	سیاست‌های خارجی دولت نهم ودهم: نادیده انگاشتن سازمان‌های بین‌المللی، سیاست دشمنی نسبت

مقولات استخراج شده	تم های اصلی
<p>به رژیم صهیونیستی، انتقاد از قدرت های بزرگ غربی بوسیله سیاست های مداخله جویانه آنها، نقد ترتیبات مربوط به تسلیحات هسته ای، انتقاد از روابط میان کشورهای شمال و جنوب</p> <p>دولت یازدهم و دوازدهم: تغییر سیاست های خارجی و گشوده شدن دروازه های کشور، شروع مذاکرات هسته ای با ۵+۱، دستیابی به توافق هسته ای، تثبیت حق غنی سازی</p>	<p>سیاست دولت های نهم، دهم و یازدهم، دوازدهم در حوزه های تاثیر گذار بر مصرف غذایی خانوارها</p>
<p>سیاست های اقتصادی</p> <p>دولت نهم و دهم: طرح تحول اقتصادی (سیاست های پرداخت مستقیم یارانه)، طرح مسکن مهر، وام مسکن، بیمه های روستایی؛ طرح صندوق مهر امام رضا؛ احداث بنگاه های زود بازده</p> <p>دولت یازدهم و دوازدهم: آزاد سازی قیمت ها، حذف یارانه دولتی برای بعضی از کالاها، افزایش قیمت بنزین</p>	
<p>سیاست های اجتماعی</p> <p>دولت نهم و دهم: مسکن مهر، طرح پزشک خانواده</p> <p>یازدهم و دوازدهم: طرح مسکن امید، مسکن قسطی کارکنان دولت، طرح بازآفرینی، وام ودیعه مسکن، گرفتن مالیات از خانه های خالی؛ طرح تحول نظام سلامت</p>	
<p>الف: پایین آمدن قدرت خرید مردم، کاهش امنیت غذایی</p> <p>ب: مصرف بهینه ی اقتصادی</p>	<p>تاثیرات سیاست های دهه های ۸۰ و ۹۰ در تغییرات الگوی مصرف غذایی</p>

۵-۱- شناسایی تغییرات الگوی مصرف غذایی خانوارهای استان گیلان

الگوی مصرف غذایی شامل طیف وسیعی از رفتارهای مصرف کننده در ارتباط با مواد غذایی شامل مقدار و نوع متداول مصرف انواع مواد خوراکی، طریقه پخت، نگهداری و همین طور ضایعات مصرف مواد غذایی است (عبدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۰). تغییرات در الگوهای غذایی افراد می تواند زمینه ی ایجاد تغییرات در قیمت مواد غذایی و محصولات و خدمات وابسته، مخارج خانوارها و تغییرات الگوی مصرف را فراهم آورد (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۰). در جامعه ی مورد مطالعه، شهر رشت، تحلیل نظرات پاسخگویان نشان می دهد که الگوی مصرف غذایی ساکنان شهر رشت در دو دهه ی اخیر به دو دسته تقسیم شده است:

۵-۱-۱- افزایش میزان استفاده از غذاهای بیرون

بررسی ها و یافته های بدست آمده از تحلیل مصاحبه ها حاکی از این است که الگوی غذایی

ساکنان رشت در دو دهه ی اخیر تغییرات دوگانه ای است که مسائل مرتبط با سطوح خرد و کلان جامعه در رواج این مساله در جامعه نقش داشته اند. در نتیجه ی تحلیل دیدگاه های پاسخگویان مقوله های زیر به عنوان عوامل اصلی تاثیرگذار بر تغییرات در الگوی مصرف غذایی مردم رشت شناسایی شدند.

۱. تغییرات ساختار جمعیتی: اهمیت شناخت تحولات ساختار جمعیتی را می توان در چگونگی تدوین برنامه های آموزشی، بهداشتی، و تربیت نیروی متخصص در جامعه بیان نمود (فولادی، ۱۳۹۲: ۱۴۷). بررسی نظرات پاسخگویان در زمینه تغییرات رخ داده در الگوهای مصرف غذایی شهر رشت حاکی از این است که تغییرات رخ داده در ساختار جمعیتی در دو دهه ی اخیر و با توجه به جوان بودن بخش عظیمی از جمعیت کشور، الگوهای غذایی آنها نیز دچار یک سری تغییرات شده اند. بطوریکه اگر در دو دهه ی اخیر گرایش مردم بیشتر به سمت غذاهای سنتی و خانگی بود، این فرایند دچار تغییراتی شده و بیشتر جوانان بنا به دلایل مختلف غذاهای آماده را بر غذاهای سنتی ترجیح می دهند.

«امروزه غذای بیرون بر غذای خانگی در بین نوجوانان و جوانان غالب شده است» (مصاحبه شونده ی ۵۰ ساله دانشجو دکتری)

« به اعتقاد من با ظهور نسل های جدید و کاهش تعداد اعضای خانوار گرایش به غذای بیرون بیشتر شده است» (مصاحبه شونده ی ۴۹ ساله دانشجوی دکتری)

«در بحث تغذیه می توان گفت تغذیه خیلی تغییرات داشته از جمله غذاهای آماده رستورانی بیشتر مورد پسند جوانان شده است» (مصاحبه شونده ی ۵۰ ساله استاد دانشگاه)

در این زمینه می توان گفت کاهش بعد خانوار در دهه های اخیر، جوانی جمعیت، سن جمعیت و همچنین ظهور نسل های جدید با تنوع غذایی بالا در گرایش به مصرف غذاهای آماده بجای غذاهای سنتی نقش بسزایی داشته اند. از این رو، شاخص جمعیت و تغییرات جمعیتی از جمله موارد تاثیر گذار بر تغییرات الگوهای غذایی مردم رشت شناسایی شده اند.

۲. فرهنگ مصرفی شهر: از نظر فدرستون^۱، فرهنگ مصرفی در جامعه مدرن این ایدئولوژی را ترویج می کند که بدن ناقل لذت و خودبازاری است و در زمینه های اجتماعی کنونی، ظاهر

زیبای فرد، به صورت مهم‌ترین عنصر پذیرش و مقبولیت اجتماعی افراد درآمده است. در فرهنگ مصرفی تصاویر بدن‌های زیبای جنسی و در طلب لذت، فراغت و نمایش تأکیدی بر اهمیت ظاهر و چهره است. به اعتقاد وی، افراد برای اثبات تعلق خود به گروه‌ها و تضمین امنیت عضویشان ناچارند که طبق قوانین معینی که اغلب تحت عنوان "مد" ارائه می‌شود، پوشش، شکل و آرایش بدن خود را تنظیم بکنند (راسخ و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۱). بررسی نظرات پاسخگویان در رابطه با گرایش شهروندان شهر رشت به غذاهای بیرون نشان می‌دهد که فرهنگ حاکم بر محیط زندگی در شهر رشت در تغییرات الگوی مصرف نقش مهمی داشته است. مقوله‌هایی همچون گرایش بیشتر به تفریح و اوقات فراغت، توریست پذیری شهر رشت، تنوع غذایی بسیار بالا موجب شده است که ساکنان این شهر به سمت مصرف غذاهای بیرون تمایل بیشتری داشته باشند.

«همانطور که مستحضر هستید، رشتی‌ها خیلی خوش گذران و شیک پوش و اهل تفریح و گردش و سینما بودند و غذاهای بیرون و سفره خانه و رستوران را به خانه ترجیح می‌دهند» (مصاحبه شونده ی ۶۰ ساله)

«وجود فرهنگ غذایی غنی و تنوع بسیار بالا بخشی از مردم بخاطر تنوع ماهی یکبار غذای بیرون را صرف می‌کنند» (مصاحبه شونده ی ۴۳ ساله دارای مدرک کارشناسی ارشد)

همانگونه که در نظرات مصاحبه شوندگان نیز مشاهده می‌شود، شهر رشت که به عنوان یک شهر خوراک شناس و خلاق در حوزه ی غذا شناخته شده است، در ایجاد تغییرات الگوهای غذایی مردم نقش مهمی داشته است. این امر منجر به جذب گردشگران و توریست‌ها به این شهر شده است. با گسترش فضاهای تفریحی و تنوع غذایی بالا، امکان ظهور سبک‌های جدید غذایی در این شهر به مراتب بیشتر می‌باشد. موارد مذکور در تقویت فرهنگ غذایی از یک طرف و ظهور سبک‌ها و الگوهای غذایی جدید از طرفی دیگر نقش انکارناپذیر داشته است.

۳. سبک زندگی: دگرگونی‌های فرهنگی-اجتماعی در دهه‌ی اخیر مدرنیته، اصلی‌ترین مضمون مورد توجه گیدنز است. گیدنز همانند بوردیو، با مسئله رقابت میان جامعه‌شناسی کلان و خرد یا رقابت میان دیدگاه‌هایی که تأکید بر عاملیت یا ساختار دارند، سر و کار دارد. در متن نظم و ترتیبات مابعد سنتی، خود مبدل به یک پروژه بازتابی می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۷: ۳۷۵). بررسی نظرات پاسخگویان حاکی از این است که با ورود به دوران مدرن، سبک زندگی افراد

تغییر کرده و ریتم تند و سریع زندگی و اشتغال در بیرون و مسائلی از این نوع انعکاسی از مک دونالدیزه شدن زندگی (بنا به تعبیر ریتزر) می باشد.

«به نظر من جامعه‌ی مدرن امروزی باعث تغییراتی در هنجارها و ارزشهای جامعه شده و اگر در گذشته خانواده‌ها بیشتر ترجیح می دادند که در وعده‌های غذایی دور میز غذا یا سفره جمع بشوند، دیگه امروز نه فرصت این کار هست و نه این کار دیگر یک ارزش حساب می شه. چون همین دور هم بودن را می توان در رستوران هم با شکلی جدیدتر تجربه کرد» (مصاحبه شونده ی ۴۵ ساله)

تغییرات ایجاد شده در سبک زندگی مردم در قالب تغییرات فرهنگی، تغییرات و دگرگونی‌های ارزشی و هنجاری، آیاتمان نشینی، گسترش فرهنگ هم نشینی در شهر رشت همگی در افزایش میزان گرایش ساکنان شهر رشت به مصرف غذاهای آماده نقش بسزایی داشته اند.

۴. تغییرات در نهاد خانواده: نهاد خانواده به عنوان یکی از نهادهای اولیه و اساسی جامعه از گذشته تا الان نقش‌ها و کارکردهای مختلفی را برعهده داشته است (آزاد ارمکی و ظهیری‌نیا، ۱۳۸۹: ۲۸۱). با گذر زمان نهاد خانواده دچار یک سری تغییرات اساسی شده است. اینگلهارت درباره تغییر فرهنگ‌ها بر این باور است که هر فرهنگ، رهیافت مردم را در تطابق با محیط‌شان نشان می‌دهد، و این رهیافت در بلندمدت، دگرگونی‌های سیاسی، اقتصادی و تکنولوژی را تبیین می‌کند (فرهمنند و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۳). تحلیل و بررسی نظرات پاسخگویان نشان می‌دهد که ورود زنان به بازار کار و اشتغال آنان از یک طرف و نبود زمان کافی برای تهیه ی غذا در خانه موجب شده است که بیشتر خانواده‌ها به سمت مصرف غذاهای آماده روی بیاورند.

« استفاده از غذای بیرون از خانه قاعدتا بیشتر شده به علت اینکه بیشتر اعضاء خانواده شاغل هستند و به دلیل محدودیت زمان علاقه زیادی به گذاشتن وقت برای خوردن غذا داخل خانواده ندارند و به غذاهای بیرون و آماده روی می آورند» (مصاحبه شونده ی ۳۵ ساله متخصص تغذیه)

« اشتغال زنان در بیرون از خانه باعث محدود شدن زمان پخت غذاهای خانگی شده و در نتیجه خانواده‌ها مجبور هستند که از بیرون غذا را تهیه کنند» (مصاحبه شونده ی ۴۵ ساله دکتری)

تغییرات و تحولات صورت گرفته در سبک زندگی افراد بر الگوهای رفتاری خانواده‌ها نیز تاثیر داشته است. تغییرات دیگر ایجاد شده در نهاد خانواده شامل بروز آسیب‌های اجتماعی و در نتیجه ظهور خانواده‌های تک‌والدی منجر به کم رنگ شدن توجه خانواده‌ها به غذاهای خانگی

و سنتی شده است. بطوریکه این خانواده ها در نتیجه ی عدم حضور سر سفره و دور میز جهت صرف وعده های غذایی ترجیح می دهند وعده ی غذایی خود را از بیرون تهیه بکنند.

۵. مصرف متظاهرانه: مفهوم "مصرف متظاهرانه"^۱ برای اولین بار توسط وبلن در قالب نظریه تن آسا (۱۸۸۹) مطرح شد. وبلن، مصرف متظاهرانه را به نمایش عمومی مایملک، شیوه زندگی و رفتار ارتباط می دهد به گونه ای که وضعیت مرفه، متظاهرانه به دیگران فهمانده می شود و این، به قصد کسب تایید یا برانگیختن رشک دیگران انجام می شود، تعریف کرده است. این الگوی غیر ضروری و متظاهرانه ی مصرف از مهم ترین مسائلی است که جوامع عصر حاضر با آن مواجه می باشند (بهیان و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۳۳). بررسی نظرات پاسخگویان حاکی از این است که گرایش بیشتر افراد به سمت مصرف غذاهای بیرون نه از روی ضرورت بلکه با هدف متمایز ساختن خود از دیگران (مطابق دیدگاه بوردیو) می باشد.

«بیشتر افراد از روی چشم و هم چشمی و برای با کلاس نشان دادن خود به سمت رستوان و غذاهای بیرون می روند تا با این روش خودشان را از طبقات دیگر جامعه حداقل در بحث مصرف جدا بکنند» (مصاحبه شونده ی ۴۵ ساله دانشجوی دکتری)

۶. رسانه ها: در رابطه با تاثیر رسانه ها بر تغییرات الگوی تغذیه ای مردم می توان به نظریه گلوله جادویی^۲ اشاره کرد. این نظریه بر تاثیر رسانه ها بر مخاطبان اشاره دارد. این نظریه تاکید دارد که پیام های رسانه ای به طور یکسان و یکنواخت به همه مخاطبان می رسد و تاثیر مستقیم و فوری بر جا می گذارد. از طرفی، نظریه تزریقی هم نشان می دهد که رسانه ها نه تنها نگرش مردم بلکه رفتار آنها را نیز می توانند تغییر دهند. بر اساس این تئوری، مخاطبان به طور مستقیم به رسانه ها مرتبط هستند و تاثیر رسانه ها بر نگرش و رفتار آنها، خیلی سریع اتفاق می افتد (مهدی-زاده، ۱۳۹۳: ۵۳). همانگونه که از نظرات پاسخگویان نیز بر می آید، رسانه های مکتوب و شفاهی و فضای مجازی در گرایش مردم به مصرف غذاهای بیرون نقش بسیار زیادی داشته اند.

«به نظر می رسد این تغییرات بیشتر ناشی از تبلیغات رسانه ای چون ماهواره، شبکه های اجتماعی، جوانی جمعیت باشد. در این بین، ترویج زندگی غربی و تبلیغ غیر مستقیم آن در ایران توسط

1 - Conspicuous Consumption

2- Hypodermic Theory (Magic Bullet)

رسانه های گروهی بویژه استفاده از غذاهای بیرونی بعنوان نمادی از رفاه و تفریح در جوامع غربی توانسته نقش اساسی را در تغییر گرایش ها و رجحان افراد داشته باشد» (مصاحبه شونده ی ۴۹ ساله فرهنگی)

« از بعد فرهنگی، تبلیغات صورت گرفته در فیلم و سریال ها، در فضای مجازی بلاگرها افرادی که تبلیغ غذایی می کنند در رستوران ها در تبلیغ غذا نقش دارند» (مصاحبه شونده ی ۳۵ ساله متخصص تغذیه)

۷. مک دونالدی شدن: ریتزر در تعریف مفهوم "مکدونالدی شدن" اشاره به فرایندی دارد که از طریق آن اصول رستوران فست فود به تدریج در بخش های بیشتری از جامعه (آمریکایی) و همین طور سایر نقاط جهان غلبه می کند (باقری و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۸). همین مساله در منطقه مورد مطالعه در این تحقیق، شهر رشت نیز صادق می باشد؛ گستردگی مراکز تهیه و توزیع غذاهای آماده در سطح شهر نسبت به مراکز تهیه ی غذاهای سنتی باعث شده است که تاثیر بیشتری بر الگوهای تغذیه ای مردم داشته باشند. حضور همه جایی مراکز تهیه ی غذاهای آماده و سریع، توزیع گسترده ی آنها در شهر و همچنین ارائه خدمات متعدد به مشتریان باعث جذب هر چه بیشتر مردم شهر رشت به مصرف غذاهای آماده شده است.

« فست فودها را در بیشتر قسمت های شهر و با شکل و فرم متفاوت می توان پیدا کرد. اگرهم نتوانیم به صورت حضوری برویم، خدمات تلفنی، موتوری، دارند و در هر صورت این غذاها را به مشتریان تحویل می دهند» (مصاحبه شونده ی ۴۵ ساله دکتری)

« به نظر من متنوع و به روز شدن مکان های تهیه ی غذاهای آماده که متناسب با گرایش و تمایلات مشتریان هستند، در جذب مشتریان به سمت فست فودها خیلی تاثیر داشتند» (مصاحبه شونده ی ۵۲ ساله فرهنگی)

جدول شماره (۲) - مقولات و خرده مقولات شناسایی شده از گرایش خانوارهای استان گیلان به مصرف غذاهای بیرون

نوع تغییرات	مقولات	خرده مقولات
	تغییرات ساختار جمعیتی	تأثیر کاهش بعد خانواده، سن جمعیت، ظهور نسل های جدید با تنوع غذایی، جوانی جمعیت
	نقش فرهنگ مصرفی شهر	شهر رشت به عنوان خوراک شناس و خلاق در حوزه ی غذا، توریست پذیر شهر رشت، خوش گذران و اهل تفریح و گردش بودن و ترجیح غذاهای بیرون، تنوع طلبی جوانان و خانواده ها، ارزش بودن و اهمیت داشتن اوقات فراغت برای خانواده های رشتی، ظهور سبک های جدید غذایی، فرهنگ غذایی غنی و تنوع بسیار بالا
	سبک زندگی	تغییرات فرهنگی و هنجاری، ارزشها و هنجارهای جامعه، تغییرات در سبک زندگی افراد، انتخابی بودن زندگی ها و تغییر ارزشها، زندگی صنعتی، شیوع سبک زندگی مدرن رفاه طلبی قشر جوان، سکونت در آپارتمانها و آپارتمان نشینی، شیوع فرهنگ هم نشینی
	تغییرات در نهاد خانواده	اشتغال بانوان و عدم تمایل آنها به صرف کردن غذا در آشپزخانه، اشتغال و محدودیت زمان، تشکیل خانواده های تک والدی، شاغل بودن افراد و نبود فرصت کافی برای تهیه ی غذا در منزل
افزایش میزان استفاده از غذاهای بیرون	مصرف مظاهرا نه	چشم و هم چشمی، خودنمایی و با کلاس نشان دادن خود، تلاش برای متمایز ساختن هویت شخصی خود
	نقش رسانه ها	ترویج زندگی غربی و تبلیغ غیر مستقیم آن در ایران، تغییرات فن آوریها و شبکه های ارتباطی، تأثیر فیلم و سریال، فضای مجازی، بلاگرها، نقش رسانه در توسعه برند غذاهای بومی و محلی
	مک دونالدی شدن	در دسترس بودن مکانهای تهیه غذاهای فست فود، توسعه گسترده ی مراکز تهیه و توزیع غذاهای آماده، سودآوری بالا، افزایش تعداد رستوران ها و کبابی ها، افزایش اشتراک خانواده ها در بیشتر رستورانها، استفاده از اسنپ فودها، وجود امکانات توزیع غذا و حتی خودروی توزیع غذا، آژانس ها و اسنپ ها با هدف پوشش خریدهای اینترنتی خانوارها، افزایش تعداد سفره خانه ها و رستوران های سنتی

۵-۱-۲- افزایش میزان استفاده از غذاهای سنتی

تغییرات در الگوی مصرف غذایی روی دیگری هم در جامعه مورد مطالعه داشته است و آن گرایش بیش از پیش برخی از مردم به استفاده از غذاهای سنتی و خانگی بوده است. مقوله های

شناسایی شده در تحلیل این مساله و دلایل وقوع آن در ادامه مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱. ضعف سرمایه اقتصادی: یکی از اشکال سرمایه، سرمایه اقتصادی است. سرمایه اقتصادی به درآمد پولی و همچنین سایر دارایی‌های مالی اطلاق می‌شود که قابل تبدیل به پول بوده و ممکن است به شکل حقوق مالکیت درآیند. سرمایه اقتصادی به واسطه خصلتش در دنیای امروز به مثابه اشیاء مادی است که در مقابل تولید کالا و خدمات به کار می‌رود (بورديو، ۱۹۸۶: ۵۲). به عبارتی، سرمایه اقتصادی شامل مولفه‌های گوناگون همچون میزان درآمد، نوع شغل، وسایل مادی و رفاهی و همه مزایایی است که یک فرد را در جامعه در جایگاه بالاتر قرار می‌دهد و انتظارات وی را بالا می‌برد (سفیری و آراسته، ۱۳۸۶: ۱۱۶). بررسی نظرات پاسخگویان حاکی از این است که در کنار عوامل مختلف موثر بر گرایش به سمت غذاهای سنتی، نقش مسائل مالی و ظرفیت اقتصادی خانواده‌ها نیز قابل توجه می‌باشند.

«گرانی و مشکلات اقتصادی باعث شده غذای بیرون برای اقشار متوسط و ضعیف رویا شود» (مصاحبه شونده ی ۵۹ ساله دبیر)

«بعلت کاهش درآمد خانوارهای متوسط اقتصادی در این دهه، میزان استفاده از غذاهای بیرون از خانه کاهش یافته است/ بطور کلی به نظرم ترجیحات ذهنی مردم به سوی غذاهای بیرونی است ولی از لحاظ مالی عملی نیست» (مصاحبه شونده ی ۴۹ ساله فرهنگی)

۲. امنیت غذایی بالا: دسترسی به غذای کافی و مطلوب و سلامت تغذیه ای از محورهای اصلی توسعه و زیربنای پرورش نسل آینده در هر جامعه قلمداد می‌شود و در دهه‌های اخیر با برجسته شدن مفهوم توسعه انسانی موضوع تغذیه ابعاد تازه ای به خود گرفته است (سواری، ۱۳۹۲: ۳۱۱). با توجه به نظرات مطرح شده، غذاهای سنتی در مقایسه با غذاهای آماده و فست فودها از امنیت غذایی به نسبت بالایی برخوردار هستند و مردم هم با علم به این مساله بیشتر سعی می‌کنند که وعده‌های غذایی خود را منزل تهیه بکنند. افزایش آگاهی عمومی از پایین بودن ارزش غذایی بیرون، عدم اطمینان از سالم بودن غذاها و رعایت نکات بهداشتی در مراکز تهیه و توزیع غذاهای آماده افراد را بر آن واداشته است که به جای تهیه ی غذاهای آماده از بیرون، به سمت غذاهای خانگی روی بیاورند.

«بعلت افزایش آگاهی عمومی از پایین بودن ارزش غذایی بیرون در برخی از خانوارها استفاده از غذاهای خانگی افزایش یافته است» (مصاحبه شونده ی ۴۹ ساله فرهنگی)

۳. **بازتولید فرهنگ سنتی:** بررسی نظرات پاسخگویان نشان می دهد که از جمله دلایل گرایش مردم امروزی به سمت غذاهای سنتی، وجود فرهنگ سنتی و بازتولید این شیوه از طریق تاسیس رستوران های سنتی، ترویج آموزش غذاهای سنتی از طریق برگزاری انواع جشنهای محصولات غذایی در گیلان آداب، سنن و شیوه پخت مربوط به بیش از ۳۰۰ نوع غذای محلی می باشد.

« با وجود گستردگی مراکز تهیه ی غذاهای آماده و جذاب بودن شکل و طعم آنها، مردم هنوز به غذاهای سنت گرایش دارند. این مساله در فرهنگ جامعه ریشه دارد و هنوز در مراسمات و دوره می ها مردم غذاهای سنتی را تهیه می کنند» (مصاحبه شونده ی ۴۵ ساله دکتری)

جدول شماره (۳) - مقولات و خرده مقولات شناسایی شده از گرایش خانوارهای استان گیلان به مصرف غذاهای سنتی

نوع تغییرات	مقولات	خرده مقولات
	ضعف سرمایه اقتصادی	پایین بودن درآمدها، کاهش ارزش پول ملی؛ تورم و گرانی، گران بودن فست فودها در مقایسه با غذاهای خانگی، کاهش درآمد خانوارهای متوسط
افزایش میزان استفاده از غذاهای خانگی	امنیت غذایی	رعایت مسائل بهداشتی، آگاهی از مضرات استفاده از غذاهای آماده، افزایش آگاهی عمومی از پایین بودن ارزش غذایی بیرون
	بازتولید فرهنگ سنتی	پیشینه و عادات غذایی، تاکید رشتی ها به آداب رسوم و نوع تغذیه و روابط اجتماعی بالا، تهیه ی غذاهای سنتی از سفره ها خانه ها، برگزاری انواع جشنهای محصولات غذایی در گیلان، ترویج آداب، سنن و شیوه پخت مربوط به بیش از ۳۰۰ نوع غذای محلی

۵-۲- شناسایی سیاست دولت ها در حوزه های تاثیرگذار بر مصرف غذایی خانوارها در تمام کشورها برنامه های دولت باید در راستای تحقق عدالت، رفاه و پیشرفت تمامی اقشار کشور باشد. در این تحقیق که مشخصا دولت های دهه ۸۰ و ۹۰ و نقش آنها بر مصرف غذایی خانوارها را مورد بررسی قرار داد، نتایج بدست آمده حاکی از این است که سیاست های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اجرا شده در دهه های مذکور به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر مصرف غذایی و تغییرات در الگوی مصرف خانوارها نقش قابل توجهی داشته است.

سیاست اجتماعی به طور معمول به مسائلی چون تامین اجتماعی، مسکن، بهداشت و درمان، ایجاد اشتغال و خدمات شغلی، خدمات اجتماعی و آموزش، خدمات حقوقی رایگان و برخورد با جرائم و ارائه آن از طرف دولت مربوط می‌شود و موضوعی است که به طرز فراگیری زندگی کنشگران اجتماعی را تحت تاثیر قرار داده و آنها همواره در معرض سیاست‌های اجتماعی گوناگون اتخاذ شده از سوی دولت‌ها می‌باشند (امجدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۸). در دهه‌ی ۸۰ و ۹۰ نیز بنا به شرایط و نیاز حاکم بر جامعه، سیاست‌های متعددی در بخش اجتماعی اعمال شد. دولت احمدی‌نژاد مسکن مهر را در حد انبوه ساخته و در اختیار مردم قرار داد. همچنین، طرح پزشک خانواده در حوزه‌ی سیاست سلامت اجرایی شد. از طرفی، دولت روحانی در مورد مسکن طرح‌های زیادی داشته که از جمله آنها مسکن امید، مسکن قسطی کارکنان دولت، طرح بازآفرینی، وام ودیعه مسکن، گرفتن مالیات از خانه‌های خالی می‌باشد. همچنین "تحول نظام سلامت" برای بهبود سیستم‌های سلامت جمهوری اسلامی و در بیمارستان‌های وزارت بهداشت اجرایی شد.

قانون هدفمند کردن یارانه‌ها مهم‌ترین برنامه‌ی دولت نهم و دهم در میان برنامه‌های تحول اقتصادی دولت نهم و دهم بود که به پیشنهاد مشترک وزارت راه و تامین اجتماعی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و با استناد به ماده (۹۵) قانون برنامه چهارم، در سال ۱۳۸۴ به تصویب هیات وزیران رسید (نبوی و امینی رارانی، ۱۳۸۹: ۲۷۳). طرح تحول اقتصادی را می‌توان با عنوان "جراحی اقتصاد ایران" برای مرتفع کردن و حل مشکلات ساختاری اقتصاد ایران نام برد (دهقان و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۱۶). این طرح با هدف فقر زدایی، مهار کردن تورم، تحقق عدالت اجتماعی، اقتصادی کردن تولید و سلامت محیط رقابت، توازن بودجه و کم کردن مصارف غیر لازم مطرح شد (نبوی و امینی رارانی، ۱۳۸۹: ۲۷۱). دولت نهم و دهم در برنامه‌های خود در سیاست خارجی بر ارزشهای سالهای اول انقلاب تاکید کرد. این دولت وضع موجود در نظام بین‌الملل را مورد انتقاد قرار داده و ضمن نامناسب دانستن آن، بر لزوم تغییر آن تاکید کرد. از جمله سیاست‌های خارجی دولت نهم و دهم می‌توان به مواردی همچون نادیده انگاشتن سازمان‌های بین‌المللی، سیاست دشمنی نسبت به رژیم صهیونیستی، انتقاد از قدرت‌های بزرگ غربی بوسیله سیاست‌های مداخله‌جویانه آنها، نقد تریبالات مربوط به تسلیحات هسته‌ای و انتقاد از روابط میان کشورهای شمال و جنوب اشاره کرد (امیدی و قلمکاری، ۱۳۹۸: ۵۷). از جمله اقدامات سیاست‌های خارجی دولت یازدهم و دوازدهم می‌توان به شروع مذاکرات هسته‌ای با

کشورهای ۵+۱، دستیابی به توافق هسته ای، تثبیت حق غنی سازی اشاره نمود. نگاهی عمیق به ارتباط بین سیاست خارجی اعمال شده در دوره ها نشان می دهد که این سیاست ها به طور مستقیم و غیر مستقیم بر الگوی غذایی و کاهش تنوع غذایی تاثیر داشته اند.

جدول شماره (۴) - شناسایی سیاست دولت ها در حوزه های تاثیرگذار بر مصرف غذایی خانوارها

سیاست ها		دولتها
نادیده انگاشتن سازمان های بین المللی، سیاست دشمنی نسبت به رژیم صهیونیستی، انتقاد از قدرت های بزرگ غربی بوسیله سیاست های مداخله جویانه آنها، نقد ترتیبات مربوط به تسلیحات هسته ای، انتقاد از روابط میان کشورهای شمال و جنوب	سیاست های خارجی	سیاست های دهه هشتاد (دولت محمود احمدی نژاد)
طرح تحول اقتصادی (سیاست های پرداخت مستقیم یارانه)، طرح مسکن مهر وام مسکن، بیمه های روستایی؛ طرح صندوق مهر امام رضا؛ احداث بنگاه های زود بازده	سیاست های اقتصادی	
مسکن مهر، طرح پزشک خانواده	سیاست های اجتماعی	
تغییر سیاست های خارجی و گشوده شدن دروازه های کشور، شروع مذاکرات هسته ای با ۵+۱، دستیابی به توافق هسته ای، تثبیت حق غنی سازی	سیاست های خارجی	سیاست های دهه نود (دولت حسن روحانی)
آزاد سازی قیمت ها، حذف یارانه دولتی برای بعضی از کالاها، افزایش قیمت بترین	سیاست های اقتصادی	
طرح مسکن امید، مسکن قسطی کارکنان دولت، طرح بازآفرینی، وام ودیعه مسکن، گرفتن مالیات از خانه های خالی؛ طرح تحول نظام سلامت	سیاست های اجتماعی	

۵-۲-۱- تاثیرات سیاست دهه های ۸۰ و ۹۰ در تغییرات الگوی مصرف غذایی

تحلیل نظرات ارائه شده در مصاحبه ها حاکی از این است که پیامدهای منفی این سیاست ها بر پیامدهای مثبت آن مستولی گشته و مردم نسبت به گذشته با مشکلات اقتصادی زیادی مواجه شده اند. پیامدهای مثبت در زمینه ی الگوی مصرف مواد غذایی شامل پایین آمدن قدرت خرید مردم و کاهش امنیت غذایی و پیامدهای مثبت شناسایی شده شامل مصرف بهینه ی اقتصادی می باشد. مقولات ذکر شده در ادامه مورد بررسی قرار می گیرند.

۱. پایین آمدن قدرت خرید مردم: نسبت هزینه خوراکی به کل هزینه خانوار یکی از

شاخص‌های مورد استفاده برای سنجش رفاه خانواده‌ها است که کاهش آن بیانگر بهبود سطح رفاهی خانواده محسوب می‌شود. نسبت هزینه‌ی خوراک به کل هزینه‌ی خانواده‌ها همواره در دوره‌های مختلف دولت‌ها روند کاهشی داشته و تنها در دولت دهم وضعیت رفاهی خانواده‌ها بدتر از قبل شده است (گزارش معاونت پژوهش‌های اقتصادی، ۱۳۹۶: ۸). بررسی نظرات پاسخگویان در رابطه با تاثیر طرح‌های اقتصادی از جمله طرح هدفمندسازی یارانه‌ها بر الگوی غذایی خانواده‌ها نشان می‌دهد که طرح هدفمند کردن یارانه‌ها، بر تمامی عرصه‌های زندگی مردم تاثیر گذاشته است.

۲. کاهش امنیت غذایی: بر اساس تعریف کنفرانس جهانی غذا، امنیت غذایی وقتی وجود دارد که همگان در همه اوقات (در هر زمان) به غذای کافی، سالم و مغذی، دسترسی فیزیکی و اقتصادی داشته باشند و غذای در دسترس، نیازهای یک رژیم تغذیه‌ای سازگار با ترجیحات آنان را برای یک زندگی فعال و سالم فراهم سازد (حسینی، ۱۳۹۵: ۵۵). یکی از مهم‌ترین رویکردهای دستیابی به امنیت غذایی، بحث تخصیص مجدد منابع با هدف برقراری عدالت اجتماعی و افزایش سطح رفاه گروه‌های کم درآمد و توزیع مناسب درآمد یا همان بحث هدفمندسازی یارانه‌ها است که از راهکارهای اساسی در تامین امنیت غذایی این دسته از خانوارها است. بررسی‌ها حاکی از عدم دستیابی سیاست‌گذاران به این مساله می‌باشد. برای مثال، یکی از مشکلات ایجاد شده برای مردم در نتیجه‌ی استفاده نادرست از مواد غذایی و پایین بودن کیفیت مواد غذایی مصرف شده در وعده‌های غذایی، شیوع چاقی می‌باشد. بر اساس تعریف سازمان بهداشت جهانی^۱، چاقی بعنوان تجمع غیرطبیعی یا بیش از اندازه چربی در بدن که سلامتی فرد را مختل می‌کند شناخته می‌شود (میرسلیمانی، ۱۳۹۴: ۵۹). مصرف بالای کربوهیدراتها، کاهش میزان مصرف میوه و تنوع آن، لبنیات، پروتئین و گرایش به مصرف برنج‌های با کیفیت پایین می‌باشد که در نتیجه‌ی عدم توانایی تامین هزینه‌های زندگی مردم ایجاد شده‌اند. به نظر می‌رسد سیاست‌های اعمال شده نه تنها زمینه‌ی بروز عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه‌ی منابع را به دنبال نداشته است، بلکه موجبات بروز یک سری مشکلات برای اقشار آسیب پذیر اقتصادی جامعه شده است.

۳. **مصرف بهینه ی اقتصادی:** طرح های اجرایی شده در دهه های ۸۰ و ۹۰ پیامدهای مختلفی برای جامعه ایران به دنبال داشته است که هر کدام نیاز به بررسی و ارزیابی می باشند. توابع ناشی از سیاست های اجتماعی، اقتصادی و خارجی عملیاتی شده در جامعه در دو دهه ی مذکور اثرات دوگانه ای بر سراسر زندگی مردم داشته است.

«درسالهای قبل میزان دورریز نان و نان خشک خیلی زیاد بود و الان با گران شدن نان می بینیم که مردم به اندازه ی مصرف خود خرید می کنند. یا مثلا در رستورانها و غذا خوریهها می دیدیم که مشتریان نصف غذا را نمی خور دند که این مساله باعث هدر رفت مواد غذایی می شد. اما امروزه حتی در غذاخوریهها هم میزان برنج را در حد مناسب برای هر فرد می آورند» (مصاحبه شونده ی ۴۸ ساله دکتری)

بررسی دیدگاه های پاسخگویان نشان می دهد که اگر چه سیاست های اعمال شده ی اقتصادی و اجتماعی مشکلات زیادی را برای مردم در سطوح مختلف جامعه ایجاد کرده است، اما از طرفی مردم را به سمت مصرف بهینه ی کالاهای مصرفی سوق داده است.

جدول شماره (۵) - مقولات و خرده مقولات شناسایی شده از تأثیرات سیاست های دهه های ۸۰ و ۹۰ در تغییرات الگوی مصرف غذایی

مقولات	خرده مقولات
پایین آمدن قدرت خرید مردم	افزایش قیمت کالاهای مصرفی، کاهش تنوع غذایی، ناتوانی در تامین هزینه های دارو و درمان، حقوق و درآمد ناکافی، کوچک شدن سفره های مردم؛ کاهش سطح رفاه خانواده ها
کاهش امنیت غذایی	مصرف بالای کربوهیدراتها، کاهش میزان مصرف میوه و تنوع آن، کوچک شدن سبد غذایی، از بین بردن تنوع غذایی، کاهش مصرف لبنیات، گرایش به مصرف برنج های با کیفیت پایین، سوء تغذیه کودکان، چاقی، کاهش مصرف پروتئین
مصرف بهینه ی اقتصادی	خرید به صرفه ی کالاها و مواد غذایی مردم و کاهش میزان دور ریز مواد پروتئینی بر خلاف گذشته، کاهش تراکم مواد غذایی و استفاده بهینه از مواد غذایی، گرایش به سمت مصرف کالاهای ضروری

۶- بحث و نتیجه گیری

هدف کلی این تحقیق که به روش پدیدارشناسی انجام شد، تحلیل کیفی سیاستهای دولت ها در

حوزه های تاثیرگذار بر الگوی مصرف غذایی خانوارهای شهر رشت طی سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹ بوده است. سیاست های اعمال شده ی دولتها در حوزه های اجتماعی، اقتصادی و خارجی در زمان دولت نهم و دهم، یازدهم و دوازدهم که با هدف اجرای عدالت اجتماعی و کاهش شکاف طبقاتی و در نتیجه تامین رفاه افراد جامعه اجرایی شدند، پیامدهای متعددی برای اقشار مختلف جامعه به دنبال داشته است. پیامدهای منفی در زمینه ی الگوی مصرف مواد غذایی شامل پایین آمدن قدرت خرید مردم و کاهش امنیت غذایی و پیامدهای مثبت شناسایی شده شامل مصرف بهینه ی اقتصادی می باشد. در رابطه با تاثیر سیاست های اعمال شده بر کاهش امنیت غذایی مردم می توان به تحقیق ضیایی و همکاران (۱۳۹۴) و شامه لویا و همکاران (۲۰۱۷) اشاره نمود که با یافته های این تحقیق همسو می باشند. اگرچه سیاست های اعمال شده ی اقتصادی و اجتماعی مشکلات زیادی را برای مردم در سطوح مختلف جامعه (بوژه برای قشر متوسط و متوسط به پایین) ایجاد کرده است، اما از طرفی مردم را به سمت مصرف بهینه ی اقتصادی کالاها ی مصرفی سوق داده است. در کل، ارزیابی های صورت گرفته نشان می دهد که پیامدهای منفی این سیاست ها بر پیامدهای مثبت آن مستولی گشته و مردم نسبت به گذشته با مشکلات اقتصادی زیادی مواجه شده اند. مصداق این امر بالا رفتن هزینه های زندگی و تورم در سالهای اخیر است که منجر به کاهش قدرت خرید مردم در زمینه های مسکن، خوراک، پوشاک، آموزش و ... شده است. مساله بالا رفتن هزینه را می توان در الگوی مصرف مردم و مواد غذایی مصرف شده نیز بوضوح مشاهده نمود. نسبت هزینه ی خوراک به کل هزینه ی خانواده ها همواره در دوره های مختلف دولت ها روند کاهشی داشته و تنها در دولت دهم وضعیت رفاهی خانواده ها بدتر از قبل شده است.

نتایج بدست آمده در رابطه با تاثیر سیاست های اعمال شده ی دولت ها بر تغییرات ایجاد شده در الگوهای غذایی مردم رشت نشان داد که الگوی مصرف غذایی ساکنان شهر رشت در دو دهه ی اخیر روند یکسانی نداشته است؛ گروه اول شامل افرادی است که در این دو دهه ی مورد مطالعه به استفاده از غذاهای بیرون سوق پیدا کرده اند و گروه دوم شامل افرادی است که غذاهای خانگی را در الگوی مصرف غذایی خود دنبال می کنند. گروهی از افراد متعلق به اقشار مختلف جامعه به دلایل فردی، خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی به سمت غذاهای آماده و فست فود گرایش پیدا کرده اند و عده ای غذای خود را از بیرون تهیه می کنند. مسائل مرتبط با سطوح خرد و کلان جامعه در رواج این مساله در جامعه نقش داشته اند. بر اساس ارزیابی های بعمل

آمده، تغییرات مذکور در الگوهای تغذیه ای مردم رشت ناشی از مقوله هایی همچون تغییرات در ساختار جمعیتی، گونه شناسی فرهنگ مصرفی شهر، سبک زندگی مردم رشت، تغییرات رخ داده در نهاد خانواده، تمایل مردم به مصرف متظاهرانه، نقش رسانه ها رسانه ها و در نهایت مک دونالدی شدن فرایند مصرف در این شهر می باشد. تغییرات رخ داده در ساختار جمعیتی، به عنوان یکی از مقوله های شناسایی شده ی موثر در تغییرات الگوهای غذایی مردم رشت، توجه به جوان بودن بخش عظیمی از جمعیت کشور، الگوهای غذایی آنها نیز دچار یک سری تغییرات شده است. به طوریکه قشر جوان در این شهر تمایل بیشتری به تجربه ی غذاهایی غیر از غذاهای سنتی دارند. این فرهنگ غذایی حاکم بر محیط زندگی در شهر رشت از گرایش مردم به تفریح، دورهمی و گذراندن اوقات فراغت در کنار خانواده و دوستان ناشی می شود. مساله قابل تامل در تغییرات رخ داده در الگوهای مصرفی شهر، نمایشی بودن گرایش به مصرف و بنا به گفته ی وبلن، مصرف متظاهرانه ی بخشی از مردم می باشد. بطوریکه این افراد متمایز ساختن خود از دیگران را در قالب الگوهای غذایی نمایش می دهند. یافته های بدست آمده در این زمینه با نتایج حاصل از تحقیق نوابخش و مثنی (۱۳۸۹) در یک راستا می باشد. ورود زنان به بازار کار و اشتغال آنان از یک طرف و نبود زمان کافی برای تهیه ی غذا در خانه موجب شده است که بیشتر خانواده ها به مصرف غذاهای آماده روی بیاورند. در واقع، حضور زنان در محیط بیرون از خانه منجر به این شده است که زنان نتوانند همچون دوره های قبل بیشتر زمان خود را در آشپزخانه سپری کنند و لذا خانواده برای حل این مساله به سمت غذاهای آماده و بیرونی روی آورده است. تغییرات مذکور در زمینه ی الگوهای غذایی مردم شهر رشت در نتیجه ی سیاست های اعمال شده در دولت های نهم و دهم، یازدهم و دوازدهم حاکی از این است که عملکرد دولتمردان در سطوح خرد و کلان می تواند لایه های مختلف زندگی مردم و مشخصا الگوهای غذایی آنها را تحت شعاع قرار بدهد. همانگونه که تحقیق شیری و حسن استاد علی (۱۳۹۲) نیز نشان می دهد، عوامل مختلفی در تدوین سیاست های دولت ها نقش دارند که می توان در جذب مدیران کارآمد و مجرب، شتابزدگی در تصمیم گیری های کلان کشور، نظام مند بودن تصمیم گیری ها، هماهنگی اهداف کمی و کیفی، روزآمد بودن قوانین در این امر تاثیر بسزایی دارند.

منابع

- اسفندیاری، ساسان، و سپهوند، احسان، و نبی‌بیان، صدیقه (۱۳۹۵)، "بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر امنیت غذایی خانوارهای شهری ایران". **همایش اقتصاد کشاورزی ایران**.
- امجدی، حوریه، و مطلبی، مسعود، و گنجی، قربانعلی (۱۳۹۹)، "تحلیل مقایسه‌ای سیاست‌های اجتماعی رفاهی در دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی". **مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، ۱۳(۳)، ۱۹۱-۱۷۷.
- امیدی، علی، و قلمکاری، آرمین (۱۳۹۸)، "تحلیل رابطه سیاست خارجی و توسعه اقتصادی: مقایسه دولت‌های خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی (۱۳۷۶-۱۳۹۶)". **فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی**، ۱۳(۴۶)، ۷۲-۴۷.
- آزاد ارمکی، تقی، و ظهیری‌نیا، مصطفی (۱۳۸۹)، "بررسی سنخ‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده"، **نشریه خانواده‌پژوهی**، ۶(۲۳)، ۲۹۷-۲۷۹.
- باقری، معصومه، و رضادوست، کریم، و آوینی، محمود (۱۳۹۵)، "بررسی تأثیر جهانی شدن بر تغییر الگوی تغذیه"، **سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نویت در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی**.
- بهیان، شاپور، و بیات، فاطمه، و محمدی، اصغر (۱۴۰۰)، "حک‌شدگی مصرف متظاهران"، **فصلنامه برنامه ریزی توسعه رفاه اجتماعی**، ۱۲(۴۸)، ۲۶۹-۲۳۱.
- دهقان، حوریه، و مختاری، علی، و باقری دولت‌آبادی، علی (۱۳۹۹)، "رویکرد اقتصاد سیاسی به سیاست‌های اقتصادی دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد"، **نشریه مطالعات اقتصاد بین‌الملل**، ۳(۲)، ۶۲۷-۵۵۵.
- راسخ، کرامت‌اله، و مبری، معصومه، و ماجدی، مسعود (۱۳۸۹)، "بررسی نگرش زنان نسبت به مدیریت بدن (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی شیراز)". **زن و مطالعات خانواده**، ۳(۱۰)، ۳۵-۵۹.
- رحمانی، رهام، و بخشوده، محمد، و زیبایی، منصور (۱۳۹۰)، "تغییرات الگوی غذایی و الگوی مصرف خانواده در ایران؛ تلفیق جدول داده-ستانده و سیستم تقاضای خانوار". **نشریه اقتصاد کشاورزی و توسعه**، ۲۰(۷۸)، ۱۴۳-۱۰۷.
- رضایی قهرودی، زهرا، و مصطفوی، ندا، و افتخاری، سمانه (۱۳۹۲)، "الگوی مصرف در چرخه زندگی خانوارهای شهری"، **نشریه رفاه اجتماعی**، دوره ۱۳، شماره ۴۹، ۲۳۴-۲۱۳.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا، و پرستش، شهرام (۱۳۸۶)، "دیالکتیک منش و میدان در نظریه عمل پی‌یر بوردیو". **نامه علوم اجتماعی**، جدید(پیاپی ۳۰)، ۱-۳۲.

- حسینی، سید صفدر، و پاکروان چروده، محمدرضا، و سلامی، حبیب الله (۱۳۹۵)، "تاثیر اجرای سیاست های هدفمندسازی یارانه ها بر امنیت غذایی در ایران"، **فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران**، (۶۷)۲۱، ۸۲-۵۳.
- سفیری، خدیجه، و آراسته، راضیه (۱۳۸۶)، "بررسی رابطه سرمایه اقتصادی زنان با نوع روابط همسران در خانواده". **مجله علمی پژوهشی تحقیقات زنان**، (۱)۲، ۱۴۷-۱۱۴.
- سواری، مسلم، و شعبانعلی فمی، حسین، و دانشور عامری، ژیللا (۱۳۹۲)، "امنیت غذایی و عوامل موثر بر آن در جامعه روستایی شهرستان دیواندره". **نشریه پژوهش های روستایی**، (۲)۵، ۳۱۱-۳۲۲.
- سیدمن، استیو (۱۳۹۲)، **کشاکش آرا در جامعه شناسی**، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- شعبان زاده خوشرودی، مهدی، و گیلان پور، امید، و جاودان، ابراهیم، و رفعتی، محسن (۱۴۰۱)، "تاثیر سیاست ارز ترجیحی بر مصرف مواد غذایی در مناطق شهری ایران". **فصلنامه پژوهش های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)**، (۳)۲۲، ۱۲۹-۱۵۵.
- شیری، محمد، و قاضی طباطبایی، محمود، و صادقی، رسول، و راغفر، حسین (۱۳۹۴)، "بررسی نقش عوامل اجتماعی و جمعیتی در تغییرات الگوی مصرف خانوارهای شهری و روستایی ایران"، **فصلنامه توسعه محلی (روستایی - شهری)**، (۱)۷، ۲۸-۱.
- شیری، ظهورث، و حسن استاد علی، زهرا (۱۳۹۲)، "عوامل موثر بر عملکرد و سیاستگذاری فرهنگی دولت نهم و دهم"، **نشریه مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، (۱)۶، ۱۳۵-۱۲۱.
- طریقت، اسفنجانی، علی، و ابراهیمی ممقانی، مهرانگیز، و اصغری جعفرآبادی، محمد، و جعفری وایقان، حامد، و صالح قدیمی، سودا (۱۳۹۵)، "شناسایی الگوهای غذایی غالب در بزرگسالان شهر تبریز"، **نشریه پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز**، (۲)۳۸، ۴۸-۵۵.
- ضیائی، محمد باقر، و قهرمان زاده، محمد (۱۳۹۵)، "اندازه گیری هزینه های تورمی قیمت مواد غذایی ناشی از اجرای سیاست هدفمندسازی یارانه ها بر خانوارهای شهری استان سیستان و بلوچستان". **تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی (علوم کشاورزی ایران)**، (۲)۴۷، ۳۷۰-۳۵۰.
- فرمند، مهناز، و خرمپور، یاسین، و پارساییان، زهره، و ماندگاری، فرزانه (۱۳۹۳)، "تاثیر مولفه های نوگرایی در حمایت خویشاوندی خانواده های شهر یزد"، **تحقیقات فرهنگی ایران**، (۳)۷، ۱۷۷-۱۴۹.
- فولادی، محمد (۱۳۹۲)، "بازکاوری و نقد نظریه ها و سیاست های جمعیتی با تاکید بر سیاست جمعیتی اخیر ایران". **نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی**، (۲)۴، ۱۷۲-۱۴۵.
- عبدی، فاطمه، و عطاردی کاشانی، زهرا، و میرمیران، پروین، و استکی، ترانه (۱۳۹۴)، "بررسی و مقایسه الگوی مصرف غذایی در ایران و جهان؛ یک مقاله مروری". **مجله دانشگاه علوم پزشکی**، (۵)۲، ۱۶۷-۱۵۹.

- علیزاده اقدم، محمد باقر (۱۳۸۹)، "تحلیل جامعه شناختی سبک غذایی شهروندان تبریزی"، **نشریه رفاه اجتماعی**، ۱۲(۴۴)، ۳۱۸-۲۸۵.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، **پیامدهای مدرنیته**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- معاونت پژوهش‌های اقتصادی (۱۳۹۶)، **تصویری از عملکرد اقتصاد کلان در دولت های مختلف (ویرایش دوم)**، دفتر مطالعات اقتصادی.
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۵)، **جامعه‌شناسی پزشکی**، چاپ هشتم، نشر طهوری.
- مهدی زاده ملاباشی، و تورج، آمون، مصطفی (۱۳۹۳)، **مبانی شبکه‌های اجتماعی**، اردبیل: انتشارات محقق اردبیلی.
- مهاجری، محمد، و حیدرآبادی، ابوالقاسم، و علی رحمانی، فیروزجاه (۱۳۹۹)، "بررسی تأثیر سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی بر انتخاب الگوهای غذایی شهروندان تهرانی". **نشریه پژوهش های جامعه شناسی معاصر**، ۹(۱۶)، ۱۴۳-۱۶۰.
- میرسلیمانی، حسین، و مختاری‌لاکه، نسرین، و میرهادیان، لیلا، و کاظم نژاد لیلی، احسان (۱۳۹۴)، "بررسی پیش بینی کننده‌های اضافه وزن و چاقی در کودکان بدو ورود به دبستانهای شهر رشت". **پرستاری و مامایی جامع نگر**، ۲۵(۷۷)، ۶۲-۵۵.
- نبوی، سید حمید، و امینی رارانی، مصطفی (۱۳۸۹)، "سیاست های اقتصادی و مشکلات اجتماعی در ایران". **فصلنامه رفاه اجتماعی**، ۱۰(۳۸)، ۲۹۱-۲۶۹.
- نوابخش، مرداد، و مثنی، ابوذر (۱۳۸۹)، "بررسی جامعه شناختی تحولات تغذیه در جوامع معاصر". **نشریه علوم غذایی و تغذیه**، ۹(۱)، ۴۹-۳۳.

- Al-Jawaldeh, A., Mandy Taktouk, & Lara N. (2020), "Food Consumption Patterns and Nutrient Intakes of Children and Adolescents in the Eastern Mediterranean Region: A Call for Policy Action". *Nutrients*, 12(11), <https://doi.org/10.3390/nu12113345>
- Bourdieu, P. (1986), **the forms of Capital**. New York: Greenwood Press.
- Eby, J. G., Colditz, G. A. (2008), Obesity/Overweight, **Prevention and Weight Management**.
- Breisinger, Clemens, & Ecker, Olivier (2014), "Simulating economic growth effects on food and nutrition security in Yemen: A new macro-micro modeling approach", **Economic Modeling**, 43, 100-113.
- Drèze, Jean & Khera, Reetika (2017), "Recent Social Security Initiatives in India", **World Development**, Elsevier, 98, 555-572.
- Haysom, G. and Tawodzera, G. (2018). "Measurement drives diagnosis and response": Gaps in transferring food security assessment to the urban scale. **Food Policy**, 74:117-125.
- Farzanegan Mohammad et al. (2015), "Effect of oil sanctions on the macroeconomic and household welfare in Iran: New evidence from a CGE model", **MAGKS Joint Discussion Paper Series in Economics**.

- Karshenas, Massoud & Moghadam, Valentine M. & Alami, Randa (2014), "Social Policy after the Arab Spring: States and Social Rights in the MENA Region", **World Development**, vol. 64(C), 726-739.
- Shamah-Levy, Teresa; Mundo Rosas, Verónica; Margarita Flores-De la Vega, María; Luiselli-Fernández, Cassio (2017), "Food security governance in Mexico: How can it be improved", **Journal of Management**, DOI:10.1016/j.gfs.2017.05.004
- Tunde, O. A., Kuek, T. Y., Mohan, N., G. Rastogi, G., Bhatt, G., Singh, H., Kee, D. M. H. (2023), "Fast food consumption patterns among university students: A case study of McDonald's in Malaysia." **Asia Pacific Journal of Management and Education**, 6(2), 104-115.